

راهبرد ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز و تأثیر آن بر

امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

سعیده کرم‌رضایی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۶/۱۹

درویشعلی بیات^۲

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۲۵

صفحات مقاله: ۱۳۸ - ۱۰۵

چکیده:

موضوع گسترش ناتو در واقع به مسأله‌ی موازنه‌ی قدرت منطقه‌ای باز می‌گردد. گسترش ناتو به شرق پس از فروپاشی شوروی در دستور کار سران ناتو قرار گرفت و در دوره‌ی ریاست جمهوری بیل کلینتون به‌عنوان یک طرح عینی و در نهایت، به یک سیاست عملیاتی تبدیل شد. ناتو با تغییر رویکرد از ایده‌ی دفاع دسته‌جمعی به امنیت دسته‌جمعی، فلسفه‌ی وجود خود را حفظ کرد؛ در این نوشتار تلاش خواهد شد تا بر پایه‌ی رهیافت نواقعی‌گرایی در تحلیل روابط بین‌الملل، ادامه‌ی حیات ناتو بررسی شود. دلایل حضور ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز را بررسی نماییم و تلاش خواهد شد تا تأثیر آن را بر امنیت ملی ایران مورد بررسی قرار دهیم؛ و در پایان به این جمع‌بندی می‌رسیم؛ حضور ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز که در منطقه‌ی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، منجر به اتخاذ رویکرد امنیتی غیرتقابلی با غرب و همکاری با کشورهای منطقه از سوی ایران شده است.

* * * * *

واژگان کلیدی

ناتو، نواقعی‌گرایی، آسیای مرکزی و قفقاز، جمهوری اسلامی ایران.

۱ - کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد خرم آباد.

۲ - عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع).

مقدمه

تولد ناتو به‌عنوان یک اتحاد دفاعی جمعی پاسخی در برابر تهدید احتمالی شوروی علیه اروپای غربی بود؛ فروپاشی اتحاد شوروی و پایان یافتن دوره‌ای موسوم به دوره‌ی جنگ سرد (۱۹۸۹) در حقیقت می‌بایست پایان عمر ناتو هم به‌شمار می‌آمد، زیرا علت وجودی تشکیل آن از میان رفته و نظام بین‌الملل از حالت دوقطبی خارج شده بود. با خاتمه‌ی جنگ سرد و فروپاشی دشمن اصلی ناتو، انطباق این سازمان و به‌طور کلی، ساختارهای امنیتی اروپا با اوضاع جدید بین‌المللی به مشغله‌ی اعضای آن تبدیل شد. در چنین اوضاعی طی چند سال اخیر قدرت‌های غربی در پی آن بوده‌اند تا از طریق گسترش ناتو کشورهایی را که ممکن است روزی در آینده به عضویت مجدد بلوک روسیه درآیند، بیش از پیش از مدار مسکو دور و ادغام آنها را در بلوک خود تضمین کنند. با وجود این، این بازوی نظامی با توجه به تحولات فوق‌تغییر ماهیت نداد، بلکه اهداف خود را متحول کرد. در واقع، ناتو برای کسب آمادگی و مقابله با چالش‌های قرن بیست‌ویکم گسترش می‌یابد. گسترش ناتو به شرق برای تأمین امنیت و ثبات در منطقه‌ی اروپا-آتلانتیک، استقرار و تثبیت نظام‌های دموکراتیک در حوزه‌ی پیمان شوروی و جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته‌ی شوروی سابق به‌طور طبیعی به تقویت و تحکیم نفوذ آمریکا در منطقه می‌انجامد؛ چرا که این گسترش به طرف آسیای مرکزی و قفقاز، به دلیل تعارض نظام سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران با نظام سیاسی حاکم بر اعضای ناتو و تضاد سیستم‌های اقتصادی طرفین، می‌تواند تهدید مطرح شده و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد چالش قرار دهد. هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی محیط امنیتی ایران است. حال سؤالی که مطرح است این‌که آیا گسترش ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز تهدیدی مستقیم علیه جمهوری اسلامی ایران خواهد بود؟ به عبارت دیگر، روند گسترش ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ از نقطه نظر سازماندهی مقاله، پس از این مقدمه‌ی کوتاه، چارچوب نظری ارائه‌شده و دلایل گسترش ناتو به شرق و زمینه‌های همکاری ناتو با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و در نهایت، از مباحث مطرح‌شده نتیجه‌گیری به عمل آمده است.

چارچوب نظری: نواقح گرای

نواقح گرای که با عنوان واقع‌گرایی ساختاری نیز از آن یاد می‌شود، در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ و با نگرش اثر والتز با نام نظریه‌های سیاست بین‌الملل ظهور پیدا کرد. وی به همراه جان مرشایمر از دیگر نظریه‌پردازان نواقح‌گرا مدعی هستند که ساختار آنارشیک در نظام بین‌الملل حول محور دولت-ملت تداوم خواهد داشت. در نتیجه، تعارض منافع وجود دارد و احتمال جنگ منتفی نیست. (زیبا کلام، آخوندی، کیانی، ۱۳۹۳ ص ۸۲-۸۳) نواقح‌گرایی هم‌چنان دولت را به‌عنوان بازیگر اصلی صحنه‌ی سیاست بین‌الملل می‌شناسد و از سوی دیگر، قدرت را به‌عنوان هسته‌ی اصلی سیاست بین‌الملل معرفی می‌کند. نواقح‌گرایان به نبود اقتدار مرکزی در نظام بین‌الملل معتقد بوده که طی آن انباشت قدرت برای بقا و حفاظت خود به دولت‌ها توصیه می‌کند.

در این دیدگاه، برای برساختن رویکردی متحد و یکپارچه و هم‌چنین تعقیب منافع اساسی، اصول اخلاقی جایگاهی ندارد. بنا به گفته‌ی والتز، رفتار و واکنش هر دولتی لزوماً می‌بایستی به‌واسطه‌ی منافع دولت راهنمایی و اداره شود. نواقح‌گرایی به این مسأله اذعان دارد که مشارکت بین‌المللی تنها زمانی ممکن است که دولت‌ها ظرفیت‌های خود را افزایش دهند. والتز بیان می‌دارد که نکته‌ی مهم در اینجاست که کنش‌گر دولتی تنها در صورتی که مشارکت منجر به افزایش توان نظامی در راستای حفاظت از منافع شود، آن را باید بپذیرفت. والتز ساختار روابط بین‌الملل را ماهیتاً آنارشیک می‌بیند. این به معنا فقدان قدرتی عمومی یا اقتدار مرکزی در اجرا کردن قوانین و نظم پایدار در سیستم بین‌المللی است. (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۹۵) پژوهشگران مطالعات امنیتی دو برداشت از نواقح‌گرایی را به‌صورت واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی ارائه می‌کنند. واقع‌گرایان تهاجمی معتقدند که افزایش قدرت نسبی مهم‌ترین هدف سیاست خارجی دولت‌هاست. در مقابل، واقع‌گرایی تدافعی مهم‌ترین هدف سیاست خارجی دولت‌ها را افزایش امنیت نسبی دولت‌ها در نظام بین‌الملل در نظر می‌گیرد. (بزرگر و قاسمی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵) به‌طورکلی، از دیدگاه نواقح‌گرایان امنیت ملی یا ناامنی تا حد زیادی حاصل ساختار بین‌الملل است. این تفکر، در دوران جنگ سرد غالب بود و در دوره‌ی نوین نیز

کم و بیش در همراهی با دیگر رویکردها مطرح بوده و قابلیت عملیاتی شدن را دارد. (سازمند و قنبری، ۱۳۹۱: ۴) ناتو در طول دوره‌ی جنگ سرد به خوبی توانست از انجام مهم‌ترین مأموریت خود یعنی بازدارندگی طرف خصم از تهاجم به کشورهای عضو برآید و بنیان اتحاد قوی در عرصه‌ی نظامی را بنا نهاد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بستر تغییر نظام بین‌المللی را فراهم آورد. (بزرگمهری، ۱۳۹۱: ۱۳۶)

با وجود این، هرچند نواقعی گرایان ابتدا بر انحلال سازمان ناتو پس از جنگ سرد تأکید می‌کردند، تحولات پس از آن و تعریف تهدیدات جدید در نظام بین‌المللی سبب بقای ناتو شد. به عبارت دیگر، از منظر نواقعی‌گرایی وجود خطرات جدید مانند گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و یا عملیات‌های ایجاد وحشت، دشمنانی جدید برای ناتو تعریف کرد و سبب ادامه‌ی حیات این سازمان شد. سیاست جدید ناتو در گسترش حوزه‌ی جغرافیایی تحت پوشش و افزایش شرح وظایف آن در قبال گسترش ناتو به حوزه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز در همین راستا ارزیابی می‌شود.

گسترش ناتو و ادامه‌ی حیات ناتو

این سازمان به‌عنوان میراث جنگ سرد، امروزه بزرگ‌ترین باشگاه نظامی در جهان محسوب می‌شود. این پیمان افزون بر وجهی نظامی، دارای وزن سیاسی قابل توجهی است که مهم‌ترین کارکرد این وجه نیز پیوند دو سوی آتلانتیک است. این پیمان از جمله پیمان‌های سیاسی - نظامی است که با نزدیک به هفت دهه فعالیت، بر خلاف تحولاتی که در حوزه‌ی تهدیدها و مأموریت این سازمان پیش آمده و حتی از بین رفتن فلسفه‌ی وجودی آن توانسته است به حیات خود ادامه داده و فلسفه‌ی جدیدی برای آن بیابد؛ (احدی، تنهایی، ۱۳۹۳: ۳۹) به‌گونه‌ای که با گذشت بیش از ۶۶ سال از زمان تأسیس خود، در صحنه‌های نظامی و سیاسی حاضر است. در پیش گرفتن سیاست‌هایی نظیر گسترش این پیمان از طریق پذیرش اعضای جدید و نیز دعوت سایر کشورها به همکاری در چارچوب برنامه‌هایی نظیر ابتکار «مشارکت برای صلح» نه تنها باعث شد که طی دهه‌ی ۱۹۹۰ فعالیت صلح‌بانی این پیمان در منطقه‌ی

بالکان سبب شود تا نقش ژاندارمی جهان در کنار سازمان ملل را به خود اختصاص دهد (تیشه‌یار، ۱۳۸۸: ۵۰)، بلکه سران ناتو در سال ۱۹۹۹ در پنجاهمین سالگرد تشکیل این سازمان، مفاهیم راهبردی جدیدی را در حوزه‌ی وظایف این سازمان تصویب کردند و در تشریح اهداف و اقدامات ناتو علاوه بر مسائل امنیتی، بازدارندگی، دفاع و کنترل تسلیحات، مسائل دیگری نظیر رفع اختلافات قومی، برقراری حقوق بشر و دموکراسی و مقابله با تروریسم را نیز مورد توجه قرار دادند.

با وقوع رخداد ۱۱ سپتامبر، ناتو وارد مرحله‌ی جدیدی از حیات خود شد. این رویداد ناتو را متوجه تهدیدهای نوین قرن ۲۱ کرد که برای مقابله با آن، همکاری و هماهنگی کشورهای خارج از پیمان را ضروری می‌دانست. جنگ علیه تروریسم از این زمان به بعد، به هدف نخست ناتو تبدیل شد (آقایی، مریمی، رکن‌آبادی، ۱۳۹۳: ۲۶) و به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم، زمینه را برای لشکرکشی گسترده‌ی ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز و خلیج فارس فراهم نمود. ناتو در سال ۲۰۰۳ رسماً اولین مأموریت فرامنطقه‌ای خود را انجام داد و وارد افغانستان شد. (بیات، ۱۳۹۱: ۶۲) سران دولت‌های عضو در نشست پراگ در نوامبر ۲۰۰۲، به تعریف محور اصلی ناتو اقدام کردند. بر اساس هدف‌ها و دستور کار جدید پراگ، فلسفه‌ی وجودی و مأموریت‌های جدیدی برای ناتو در قالب مفهوم نوین راهبردی شکل گرفت که با توجه به ماهیت چالش‌ها و خطرهای در محیط امنیتی بین‌المللی صورت می‌گیرد. بر اساس مفهوم جدید ناتو، این سازمان بنا بر تهدیدها و چالش‌های آتی و اساسی، به‌ویژه با تأکید بر تروریسم بین‌المللی به‌عنوان یک تهدید اصلی، محدوده‌ی مأموریت خود را به خارج از قلمرو خود گسترش داد؛ بدین معنا که متحدین موافقت کردند که در مقابله با تهدیدهای جدید، دیگر محدودیت‌ها و مرزهای مصنوعی جغرافیایی معنایی ندارد؛ بنابراین، تهدیدها در هر منطقه از جهان که شکل بگیرد؛ باید با آن مقابله شود. (آقایی، مریمی، خلیلی‌پور رکن‌آبادی، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۷) بدین ترتیب، به بهانه‌ی جنگ علیه تروریسم جهانی، حضور خود را در منطقه‌ی قفقاز و آسیای مرکزی به شدت تقویت کرد و با انعقاد چندین موافقت‌نامه‌ی نظامی با دولت‌های منطقه،

کمک‌های اقتصادی و فنی خود را به این کشورها گسترش داد و عملاً در روندهای امنیتی و نظامی منطقه درگیر شد. (شفیعی، صفری، ۱۳۹۱: ۱۹۶)

نشست سران ۲۲ کشور عضو ناتو در ۱۹ و ۲۰ نوامبر ۲۰۱۰ در لیسبون، برگزار شد. نظریه‌ی راهبردی جدید پیمان آتلانتیک شمالی نیز تصویب گردید. محور اصلی سند جدید اعلام دوباره‌ی تعهد ناتو به دفاع دسته‌جمعی است که در ماده‌ی ۵ آن آمده است: ناتو تهدیدهای غیرمتعارف و هسته‌ای را تهدید درجه‌یک خود ارزیابی و اعلام کرد که باید توانمندی‌های ناتو متناسب با تهدیدهای مدرن باشد. بر این اساس، سازمان ناتو با تعریف تهدیدهای جدید مانند تسلیحات هسته‌ای، موشک بالستیک، تروریسم، تهدیدهای سایبری، تسلیحات لیزری، امنیت انرژی، منابع آب و تغییرات اقلیمی، برنامه‌های جدیدی را در راهبرد ۱۰ تا ۱۵ ساله‌ی خود گنجانده. مفهوم راهبردی جدید ناتو تلاش می‌کند تا در فضای جدید و شرایط تغییریافته‌ی جهانی و در برابر تهدیدهای جدید، این ساختار دفاعی-امنیتی را پویا و کارآمد نگه دارد. (آقایی، مریمی، رکن‌آبادی، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۰)

ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز

منطقه‌ی آسیای مرکزی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به یکی از مناطق مهم در روابط بین‌الملل تبدیل شد. کشورهای منطقه پس از فروپاشی با مشکلات متعددی مواجه شده‌اند. سیاستگذاری و مسائل امنیتی کشورهای تازه استقلال‌یافته تحت تأثیر ارتباط با قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است. (kakenova, 2014: 594) در واقع، پس از فروپاشی شوروی، ناتو به تعریف مجدد از حوزه‌ی امنیتی خود پرداخت و در این تعریف جدید، قفقاز و آسیای مرکزی شامل حوزه‌ی امنیتی ناتو گردیدند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۱۹۹۱، هشت کشور جدید قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان به استقلال دست یافتند. (شرافت، ۱۳۸۳: ۸۸) جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان به علت حاصل‌خیزی و شرایط مناسب جغرافیایی به ترتیب بیش‌ترین جمعیت را

دارند. (موسوی، ۱۳۸۲: ۲) در اینجا نکته‌ای اساسی که باید مدنظر قرار گیرد، آن است که آسیای مرکزی و قفقاز در یکی از مهم‌ترین نواحی کره‌ی زمین که «اوراسیا» نام دارد، و در مسیر اتصال شرق به غرب قرار گرفته، منابع عظیم انرژی را در خود جای داده است. منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک و دارا بودن ذخایر انرژی برای قدرت‌های بین‌المللی و ناتو از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد.

اولین تلاش‌ها از سوی ناتو برای رسیدن به شرق (آسیای مرکزی و قفقاز) پس از فروپاشی شوروی سابق در دسامبر ۱۹۹۱ آغاز شد. این حرکت در شکل جدید تحت عنوان شورای همکاری آتلانتیک شمالی شروع به کار کرد و به تدریج کلیه‌ی اعضای سابق پیمان ورشو عضو این شورا گردید، و تعداد اعضای آن از ۱۶ عضو ناتو به ۲۸ عضو رسید؛ هرچند فعالیت‌های شورا جنبه‌ی شکلی پیدا کرد و صرفاً به یک مجمع مشورتی تبدیل شد (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۶۱-۱۶۰)، اما با عضویت سه کشور لهستان، جمهوری چک و مجارستان در مارس ۱۹۹۱ به‌طور عملی ناتو توسعه به سمت شرق را آغاز نمود. ناتو در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز به دو شیوه، فعالیت‌های خود را به پیش می‌برد: اول، در قالب پیمان "نیروهای نظامی متعارف در اروپا" ۱۹۹۰ و دوم به‌واسطه‌ی "برنامه‌ی مشارکت برای صلح" ۱۹۹۴ (آقایی، ۱۳۹۱: ۱۹) با هدف ایجاد و محدودیت در نوع به‌کارگیری تسلیحات و به‌منظور تقویت همکاری سیاسی و نظامی ناتو و کشورهای تازه استقلال‌یافته‌ی شوروی سابق بود. (شرافت، ۱۳۸۳: ۱۷) در واقع، روش مدیریت بحران ناتو در قبال کشورهای تازه رهاشده از نظام کمونیسم، پذیرش آنها در قالب برنامه‌های مختلف این سازمان بوده است. ناتو تصمیم دارد به‌جای آن‌که هزینه‌ی هنگفتی برای مدیریت راهبردی بحران‌ها در صورت وقوع آنها بپردازد، با در پیش گرفتن سیاست پیشگیری و با هزینه‌ی کم‌تری به مهار آنها مبادرت ورزد. (تیشه‌یار، ۱۳۸۸: ۵۲) ناتو در قالب طرح مشارکت برای صلح اقدام به سازماندهی و گردآوری کشورهای جدید متقاضی عضویت در ناتو کرد. این سازمان در گام اول و در جهت ورود به سازمان اصلی ناتو، پس از رسیدن به استانداردهای تعیین‌شده و مورد دلخواه ناتو عمل می‌کرد، تا از این طریق و بدین ترتیب، هم آنها را پذیرش و جذب نموده و هم مانع از فاصله گرفتن احتمالی آنها از ناتو و حرکت در

جهت ایجاد یک سازمان موازی دیگر در تقابل با ناتو گردد. (شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۳) ناتو در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰، بر اساس طرح مشارکت برای صلح به آموزش، مسلح ساختن و استقرار نیروهای نظامی در اطراف دریای سیاه و دریای خزر پرداخت. تفاوت بین ناتو و «مشارکت برای صلح» همان‌طور که مقام‌های ناتو اعلام کرده‌اند، بسیار اندک است. از طریق «مشارکت برای صلح»، جمهوری آذربایجان، گرجستان، ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان رابط‌های نظامی رسمی با سرفرماندهی عالی ناتو دارند. در سایه‌ی حمایت‌های ناتو، «مشارکت برای صلح» گردان پاسدار صلح مشترک آسیای مرکزی را ایجاد کرده است که مرحله‌ی اولیه حضور نیروهای نظامی به رهبری ناتو در منطقه است. (تقی‌عامری، ۱۳۸۶: ۶۹) در این راستا، ناتو استانداردهایی را برای کشورهایی که متقاضی عضویت هستند، وضع کرده و پذیرش آنها را منوط به رعایت معیارهای زیر می‌داند:

- ۱) نظام سیاسی تثبیت شده؛
- ۲) دموکراسی و رعایت حقوق بشر؛
- ۳) اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد؛
- ۴) نیروهای مسلح تحت کنترل غیرنظامیان؛
- ۵) روابط خوب با همسایگان. (شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۳)

بر این اساس، می‌توان فعالیت‌های ناتو را برای حضور مؤثر در آسیای مرکزی و قفقاز به شرح زیر برشمرد:

- سفر مقامات نظامی و بلندپایه‌ی ناتو به کشورهای منطقه و بالعکس؛
- امضای اسناد همکاری و ایجاد پایگاه‌های نظامی ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز؛
- برگزاری رزمایش‌های نظامی مشترک میان اعضای ناتو و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز؛
- تشکیل دوره‌های آموزشی و برگزاری همایش‌های نظامی در قالب برنامه‌ی مشارکت برای صلح ناتو؛

- ارائه‌ی کمک‌های مالی، فنی و لجستیک به کشورهای منطقه.

در این میان، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز که از نظر امنیت داخلی و وضعیت اقتصادی با شرایط دشوار مواجه‌اند، حضور نیروهای ناتو در منطقه و کمک‌های مالی و فنی آنها را عاملی برای ثبات و کلیدی برای حل مشکلات اقتصادی خود می‌دانند. (میرزاخانی، ۱۳۹۰: ۱۸۵) در عین حال، دلیل مهم تلاش این کشورها برای عضویت در ناتو بهره‌مندی از ماده‌ی ۵ این سازمان برای مقابله با تهاجم احتمالی از جانب روسیه است. (عسگرخانی، ۱۳۹۲: ۱۲۹)

اهداف ناتو در طرح گسترش به آسیای مرکزی و قفقاز

اعضای ناتو با اتخاذ سیاست گسترش به شرق، اهداف خاصی را دنبال می‌کردند که در ابعاد مختلف قابل تبیین است و از آنجا که اولویت‌های ناتو بر اساس میزان تهدیدهای موجود در سطح بین‌الملل نسبت به اعضای پیمان تعریف و تعیین می‌شود، برای بررسی اهداف اصلی اعضای آن؛ نخست، باید تهدیدهای پیش روی آنها، خوب شناخته شود، با یادآوری این که هدف عمده و بنیادی هر راهبرد دفاعی - امنیتی، تأمین امنیت برای پدیده‌ی تعریف شده و مشخص است و با توجه به این شکل بخشیدن به یک ساختار و راهبرد امنیتی، کشف و تشخیص تهدید، نقطه‌ی آغاز محسوب می‌شود (تائب، ۱۳۸۳: ۲۹). (۱) رشد سرمایه‌داری انحصاری به رهبری چین و گسترش آن در آسیای مرکزی (اقتصادی و ایدئولوژیک)؛ (۲) حرکت و خیزش جنبش‌های اسلامی و گسترش آن در آسیای مرکزی و خاورمیانه (امنیتی و نظامی)؛ (۳) اهمیت منابع انرژی و بازار مصرف آسیای مرکزی (ژئوپلیتیک). (کریمیان، ۱۳۹۴/۴: ۸۳)

در سایه‌ی درک این تهدیدات بود که استراتژیست‌ها و سیاستمداران ناتو به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین و مؤثرترین راه جهت مقابله با این تهدیدات گسترش ناتو به شرق است. ناتو برای رسیدن به این هدف ابزارهایی، مانند برنامه‌ی مشارکت برای صلح، شورای همکاری آتلانتیک شمالی، شورای مشارکت اروپا - آتلانتیک و برنامه‌ی انفرادی مشارکت برای صلح را در اختیار دارد و از طریق این ابزارها اقدام به گسترش حوزه‌ی نفوذ خود در شرق کرده است.

از این رو، مهم‌ترین دلایل گسترش ناتو به شرق را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

(۱) **هراس از سلطه‌ی مجدد روسیه و چین:** از نظر کرملین، منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز نخستین سنگر برای حفاظت از امنیت ملی روسیه است و این حوزه‌ی سستی برای روسیه اهمیت زیادی دارد و حضور آمریکا در این منطقه برای روسیه و چین نامطلوب است. (پسندیده، ۱۳۹۳: ۱۷۱) به هر تقدیر یکی از دلایل مهم چرایی گسترش ناتو را باید در آمادگی برای مقابله با خطر سربرآوردن روسیه و چین دانست. این امر بدان دلیل دارای اهمیت می‌گردد که هر دو کشور مخالفت خود را با نظام تک‌قطبی ابراز داشته‌اند. در این رابطه، ناتو منافع خود را بر ضرورت تنگ‌تر کردن حلقه‌ی محاصره پیرامون (یارگیری و تقویت) روسیه از طریق همپیمانی با کشورهای همسایه و ضرورت یارگیری و تقویت قوا بر علیه اهداف بعدی ناتو، رویارویی با اصول‌گرایی اسلامی و مهار چین قرار داده است. (دیوسالار، ۸۴/۴/۱۸: ۱)

(۲) **تأمین و تقویت امنیت و ثبات موردنظر آمریکا:** هدف از گسترش مدنظر اعضای ناتو، گرایش به سمت اهداف سیاسی و صدور امنیت و ثبات به اروپای شرقی و کشورهای ماورای قاره‌ی اروپاست. (نگاه، ۱۳۸۳: ۲) از طرف دیگر، از نظر اروپایی‌ها بهترین راه تعمیم امنیت به شرق اروپا و قفقاز کانال ناتو است. اروپا غیر از تحصیل یک امنیت‌جمعی به دنبال تأمین منافع ملی خود از جمله دستیابی به بازارهای مستعد شرق اروپاست و حضور در بازار و سرمایه‌گذاری در هر کشور اروپای شرقی مستلزم وجود امنیت است. (فرسای، ۱۳۸۰: ۶۹) ساموئل برگر مشاور امنیتی کلبنتون در سال ۱۹۹۷ بر این باور بوده است که گسترش ناتو به نحو خطی کمک خواهد کرد که در طول جنگ سرد، قاره‌ی اروپا را تقسیم کرده و از همین رو، «هدفی است گسترده، تاریخی و راهبردی» (احمدی، ۱۳۷۶: ۱۲۲) و هم‌چنین گسترش ناتو و اهمیت یافتن بحث تأمین امنیت انرژی و امنیت دریایی و هم‌چنین نقش منطقه‌ای ایران، شرایطی را فراهم کرده که برخی رهبران منطقه‌ی خود را نیازمند اتکا به منبع تأمین

امنیت در ورای منطقه دیده و در این میان، ناتو را مرجعی تصور کنند که کمک و همکاری آن تأمین‌کننده‌ی هدف مورد اشاره خواهد بود. (دولتیار، ۱۳۸۹: ۲۵)

(۳) **اسلام سیاسی:** یکی از موضوعاتی که ایالات متحده را به خود مشغول کرده است، موج اسلام‌گرایی است. در واقع، با فروپاشی شوروی، مقابله با انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلام‌گرایی تنها نقطه‌ی مشترکی بود که می‌توانست توافق اعضای ناتو را جلب کند. از دید طراحان راهبردی ناتو، نیروی اسلام در منطقه‌ی شرق به‌عنوان بزرگ‌ترین خطر برای گسترش این پیمان محسوب می‌شود و بهانه‌ی گسترده‌ی این پیمان نظامی نیز هست. (موسوی، ۱۳۷۸: ۱۳۷) پس از رخدادهای ۱۱ سپتامبر و اعلام جنگ جهانی علیه تروریسم از سوی رئیس‌جمهور آمریکا که به سرنگونی رژیم طالبان در افغانستان و حضور همه‌جانبه‌ی آمریکا در منطقه منجر شد، اهمیت مبارزه با تروریسم و سلفی‌گرایی اسلامی برای دولت‌های آسیای مرکزی بیش‌تر شده است. نخبگان حاکم در منطقه از فرصت به‌دست‌آمده، برای تشدید سرکوب گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه استفاده کردند. (کولایی، خوانساری، ۱۳۹۳: ۲۶۴)

(۴) **منافع اقتصادی غرب:** نکته‌ی مهم دیگری که در گسترش ناتو به شرق به‌خصوص در قفقاز جنوبی نباید از نظر دور نگه داشته شود، انطباق این گسترش با منافع اقتصادی غرب است. (فغانی، ۱۳۷۸: ۳۰) همان‌گونه که گفته شد، ناتو عمدتاً از گسترش خود به شرق در دستیابی به اهداف اقتصادی دارد، اما این تنها از طریق فروش تسلیحات تأمین می‌شود. گسترش ناتو می‌تواند فرصت‌های استثنایی را در اختیار آمریکا به‌جای کشورهای اروپایی قرار دهد. (مرادی، ۱۳۸۱: ۱۳۳) در جهت کنترل و مهار رقیبان نظامی و اقتصادی در منطقه باشد.

(۵) **ایجاد نظام تک‌قطبی در صورت امکان:** ناتو سازمانی الیستی، با نقش برتر آمریکا در آن، و از همین‌رو، گسترش ناتو به افزایش اثرگذاری آمریکا بر نظام بین‌الملل خواهد انجامید. (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۱۰۴) توانمندی آمریکا به (ناتو) امید بخشید و این

نکته به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه نهادهای بین‌المللی به‌وسیله‌ی کشورهای قوی‌تر ایجاد و حفظ می‌شوند تا به منافع قابل درک یا غیرقابل درک آنها برای کشورهای دیگر خدمت کنند. تمام دولت‌های آمریکا پس از پایان جنگ سرد به مقتضای شرایط و به‌انحای مختلف با چنین دیدگاهی به ناتو نگرسته‌اند. (امینی، ۱۳۹۲: ۲۰۱) هم‌چنین گسترش هژمونی آمریکا از طریق همگرایی با قدرت‌های منطقه‌ای چه در اروپا و چه در پیرامون روسیه می‌باشد. برخی از تحلیلگران، گسترش ناتو به شرق و تغییر و گسترش محدوده‌ی جغرافیایی و امنیتی آن را فریبی از جانب آمریکا برای یکه‌تازی در جهان پس از فروپاشی نظام دو قطبی، قلمداد می‌کنند و گروه دیگر نیز با بدبینی هرچه بیشتر، گسترش ناتو را در راستای گسترش فرهنگ و سیاست آمریکا - اروپا با هدف کم‌رنگ شدن و فروپاشی تمدن اسلامی - ارتدکس موجود در شرق اروپا می‌دانند. (کریمیان، ۱۳۹۳/۴: ۴)

از طرف دیگر، حضور ناتو به معنای تقویت موضع آمریکا در منطقه در چارچوب رقابت راهبردی آمریکا و ایران در ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی خواهد بود. بر این اساس، حضور ناتو به‌عنوان سازمانی امنیتی با عضویت ۲۸ کشور که همگی طرفدار الگوها و ارزش‌های غربی در چارچوب لیبرال - دموکراسی هستند، به تقویت این موضع در منطقه خواهد انجامید. (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۷۳) در واقع، آمریکا تلاش می‌کند تا با نفوذ و حضور در مناطقی نظیر اوراسیا اهداف کلان راهبردی خود را تقیّب نمایند. آمریکا و ناتو با فروپاشی شوروی سابق تلاش کردند در مناطق گرجستان و اوکراین با توسل به انقلاب‌های رنگی خواست مردمی را تغییر دهند و حکومت‌های طرفدار خود را سرکار آورند؛ و مانع از تقویت و شکل‌گیری اتحادیه‌هایی با کشورهای هند، چین، ایران و روسیه شوند.

همکاری ناتو با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز

گسترش ناتو به شرق و به‌ویژه به مناطقی در آسیا - اوراسیا از جمله مقوله‌های مهم راهبردی پس از پایان دوران جنگ سرد به‌شمار می‌رود. یکی از نتایج قابل‌توجه پایان جنگ

سرد، ظهور مناطق و مجموعه‌های امنیتی جدید در جمهوری‌های به‌جا مانده از اتحاد جماهیر شوروی پیشین بود. بنابراین، می‌توان منطقه‌ی قفقاز جنوبی را به دلیل وجود سیاست‌های رقابت‌جویانه‌ی دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، موجودیت بازیگران غیردولتی و چالش‌های درونی و بیرونی آن، یک مجموعه‌ی امنیتی یا مجموعه‌ی راهبردی یکپارچه دانست. (واعظی، ۱۳۹۱: ۲)

در این مورد، ناتو توجه خاصی به برخی از کشورهای منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز نشان داده است. در واقع، طرح گسترش ناتو به سمت شرق شامل کریدوری است که با عبور از مناطق محوری در منطقه‌ی قفقاز تا مرزهای چین کشیده خواهد شد و می‌تواند مزایای سیاسی و امنیتی فوق‌العاده‌ای برای کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا در پی داشته باشد:

الف) همکاری ازبکستان و ناتو: ازبکستان برای اولین بار در روابط با ناتو در سال ۱۹۹۲ به شورای همکاری آتلانتیک شمالی پیوست. از آن زمان در یک سری برنامه‌ها برای تقویت راهبرد سیاست خارجی خود و ترویج صلح و ثبات در آسیای مرکزی و جلوگیری از جنگ و درگیری مسلحانه همکاری داشت. (NATO's relations with Uzbekistan 2014) ازبکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی فعال‌ترین کشور می‌باشد که از طریق ناتو در سال ۱۹۹۴ به منظور تقویت همکاری بین ناتو و کشورهای آسیای مرکزی با برنامه‌های مشترک آموزشی و تمرینات نظامی قبول مسئولیت کرده و خود را به انجام آن ملزم نموده است.

ازبکستان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حامیان اقدامات آمریکا در جریان مبارزه علیه تروریسم نقش مؤثری در سرنگونی رژیم طالبان در چارچوب عملیات آزادی پایدار پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ایفا کرد. در واقع، ازبکستان با در اختیار گذاشتن پایگاه هوایی نظامی به آمریکا نقشی حیاتی در پشتیبانی نیروهای ائتلاف داشت و مهم‌ترین کشور انتقال‌دهنده‌ی کمک‌های بشردوستانه به افغانستان بود. (خادمی، ۱۳۸۷: ۲۲۹) هم‌چنین از آن زمان تاکنون، ناتو و ازبکستان همکاری‌هایی در حوزه‌ی آموزش نظامیان، کمک به بالا بردن توانایی نیروهای امنیتی و اطلاعاتی ازبک برای مقابله با تروریست‌ها، بالا بردن امنیت مرزها و مقابله با سایر عوامل

بی‌ثباتی دارند. (ترابی، ۱۳۹۲: ۱۷۱) بر اساس یک رابطه‌ی محکم که به ۱۹۹۲ باز می‌گردد، ناتو به تازگی در مارس ۲۰۱۳ همکاری خود را با ازبکستان تقویت کرده و یک افسر رابط برای تسهیل تعامل، افزایش گفتگو و درک متقابل با کشورهای شریک و تسهیل همکاری عملی در چارچوب مشارکت برای صلح ایجاد کرده است. (Closer relation's with Uzbekistan 2014) روابط تاشکند با آمریکا و غرب در سال‌های اخیر رو به بهبود نهاده که افزایش بازدیدهای مقامات سیاسی و نظامی واشنگتن و ناتو از تاشکند این امر را تأیید می‌کند، به‌ویژه بحث واگذاری بخش زیادی از تجهیزات نظامی آمریکا و ناتو به ازبکستان پس از خروج در سال ۲۰۱۴ از افغانستان، روسیه و هم‌چنین بیش‌تر کشورهای منطقه را که با تاشکند روابط پیچیده دارند، نگران کرده است. (واعظی، ۱۳۹۲: ۵)

ب) همکاری تاجیکستان و ناتو: کشورهای آسیای میانه از سال ۱۹۹۴ در برنامه‌ی همکاری برای صلح مشارکت می‌کنند، تنها تاجیکستان در سال ۲۰۰۲ به این برنامه پیوست؛ برنامه‌ای که همکاری دو طرفه عملی بین هر یک از این کشورها با ناتو به‌شمار می‌آید و بر پایه‌ی تعهد اصول دموکراتیکی است که توسط پیمان رایج شده است.

گذشته از طرح مشارکت برای صلح، ناتو با برنامه‌هایی هم‌چون فرایند برنامه‌ریزی و بررسی، توسعه‌ی برنامه‌های اقدام مشارکت فردی که در اجلاس سران ناتو در پراگ (نوامبر ۲۰۰۲) به تصویب رسید (میرزاخانی، ۱۳۹۰: ۱۸۴) که بر پایه‌ی آن، ناتو هدف‌ها و مکانیسم همکاری دوجانبه با هر یک از کشورهای هدف را برای یک دوره‌ی دو ساله تعیین و بر پایه‌ی آن در حوزه‌های دفاعی، امنیتی، نظامی، علوم و محیط‌زیست، شرایط اضطراری غیرنظامی و منابع انرژی، اولویت‌های همکاری را تعیین می‌کند و به اجرا می‌گذارد؛ و دیگر ابتکارها، در پی یافتن راه‌هایی برای از میان بردن نگرانی‌های امنیتی در آسیای مرکزی و قفقاز برآمده است. (حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۸۵) پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و اقدام نظامی آمریکا در سرنگونی طالبان در افغانستان و ایفای نقش تاجیکستان در این زمینه، این کشور نیز به‌عنوان یکی از شرکای غرب مطرح شده است. تاجیکستان نقش مهمی در حمایت از عملیات ناتو در

افغانستان از طریق میزبانی از هواپیماهای نظامی فرانسه در فرودگاه دوشنبه ایفا کرد، در مبارزه با تروریسم بین‌المللی همکاری داشتند، ناتو حمایت لازم از وزارت دفاع تاجیکستان برای ایجاد یک دوره‌ی آموزشی در مبارزه با تروریسم و نیز تبادل تخصص و اطلاعات بر عهده داشت. (NATO's relations with tajikistan 2010) به‌علاوه در سال‌های اخیر بخش دیپلماسی عمومی ناتو در تابستان‌ها دوره‌های آموزشی نظامی و امنیتی برای دانشجویان تاجیک برگزار می‌کند. هدف از برگزاری این کلاس‌ها، بالا بردن دانش نظامی و امنیتی دانشجویان این کشور است. در نهایت، همکاری در عرصه‌ی مدیریت شرایط اضطراری، محیط‌زیست و همکاری فناوری از دیگر ابعاد همکاری ناتو با تاجیکستان است. (ترابی، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

ج) همکاری ترکمنستان و ناتو: ترکمنستان در ۱۰ می ۱۹۹۴ به برنامه‌ی مشارکت برای صلح پیوسته است. ترکمنستان با پیوستن به برنامه‌ی مشارکت برای صلح، تماس‌ها و ارتباطات نظامی خود را با ناتو گسترش داده و در جهت اصلاح نیروهای نظامی خود کمک‌های مؤثری از ناتو دریافت داشته است. همچنین این کشور یک کشتی برای فعالیت‌های مطالعاتی ناتو در دریای خزر اختصاص داده است. ناتو در چارچوب این برنامه به بررسی منابع زیرزمینی خزر می‌پردازد. (شربانی، ۱۳۸۷: ۱۵۳) ترکمنستان در برنامه‌ی مشارکت انفرادی تصمیم به شرکت در فعالیت‌های نظامی دارد، البته نقض موقعیت بی‌طرفی خود نیست به این دلیل که ترکمنستان تنها کشور آسیای مرکزی است که اعلام راهبرد بی‌طرفی دارد؛ و به تعهد خود پای‌بند است. در برخی فعالیت‌های مربوط به امنیت، علم و مسائل زیست‌محیطی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر با مناطق دیگر همکاری دارد و مرز طولانی با افغانستان به ترکمنستان انگیزه‌ای برای اتحاد در مورد مسائل امنیت مرزی داده است. (Bagbasliogla, 2014: 93) به‌علاوه ترکمنستان همکاری خوبی با آمریکا در زمینه‌ی مقابله با تروریسم دارد. بر اساس گزارش‌های رسمی دولت آمریکا که هر ساله در مورد اقدامات ضد‌تروریستی تک‌تک کشورها منتشر می‌شود، ترکمنستان از جمله کشورهایی است که در این زمینه با آمریکا همکاری سطح بالایی دارد. به باور برخی از کارشناسان، تمامی این اقدامات به شکلی مغایر با راهبرد بی‌طرفی ترکمنستان است.

د) همکاری قرقیزستان و ناتو: بیشکک بیشترین تمایل را برای همکاری با ناتو از خود نشان داده و قرقیزستان اولین کشور در سطح منطقه بوده که در اول ژوئن ۱۹۹۴ به برنامه‌ی مشارکت پیوسته است. در شورای همکاری اروپا و اقیانوس اطلس با ناتو همکاری می‌کند. ناتو همکاری عملی خود را با قرقیزستان در بسیاری از مناطق با هدف تقویت امنیت منطقه‌ای و جهانی توسعه داده است. برنامه‌ی همکاری میان ناتو و قرقیزستان در خصوص مبارزه با تروریسم، امنیت مرزی، مدیریت بحران و برنامه‌ریزی اضطراری مدنی است. ناتو با پشتیبانی از فعالیت‌های آموزشی مربوط به مسائل امنیتی و دفاعی برای افزایش دسترسی عمومی به اسناد مربوط به امنیت برای قرقیزها یک کتابخانه در آکادمی دیپلماتیک بیشکک افتتاح کرد. (NATO's relation's with the Kyrgyz Republic 2012)

قرقیزستان تحت تأثیر شرایط پس از ۱۱ سپتامبر و جو ایجاد شده در منطقه، پایگاه‌های نظامی خود را در اختیار نیروهای ناتو و آمریکا قرار داد. پنتاگون ضمن این‌که از اکتبر ۲۰۰۱، پایگاه هوایی ماناس را با وجود مخالفت‌های مقامات روسیه در اختیار گرفت. لازم به یادآوری است که این پایگاه نقشی راهبردی در حمایت از عملیات نظامی آمریکا در افغانستان ایفا کرده است. افزون بر این، قرقیزستان در زمینه‌ی خرید نظامی، بیشترین همکاری را با کشورهای عضو ناتو به خصوص آمریکا دارد. قرقیزستان سلاح و تجهیزات نظامی از جمله وسایل الکترونیک و تجهیزات توپخانه از آمریکا وارد کرده است. (ترابی، ۱۳۹۲: ۱۸۰-۱۷۹) به نظر می‌رسد ناتو منافع در قرقیزستان برای خود قائل است؛ زیرا این کشور با چین مرز مشترک دارد و ناتو می‌تواند به‌طور مؤثرتری نفوذ سیاسی خود را تا مرزهای شمال غرب و شمال شرق چین گسترش دهد. هم‌چنین دو طرف در ابراز نگرانی از بنیادگرایی اسلامی اشتراک نظر دارند. (خادمی، ۱۳۸۷: ۲۳۱) آمریکا و ناتو موافقت‌نامه‌ای در ۲۰۱۴ با قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان برای استفاده از سرزمین خود برای از بین بردن تجهیزات سخت‌افزاری نظامی منعقد کردند که باعث تقویت نقش آمریکا و ناتو در آسیای مرکزی می‌شود و نشان‌دهنده‌ی یک تهدید مستقیم به منافع روسیه، چین و سازمان‌های چندجانبه‌ای مانند سازمان پیمان امنیت جمعی، سازمان همکاری شانگهای و یا اتحادیه‌ی گمرکی می‌باشد. (Kim, Indeo, 2013: 277)

ه) همکاری قزاقستان و ناتو: قزاقستان تنها کشوری در منطقه‌ی آسیای مرکزی است که عمیق‌ترین همکاری خود را با ناتو دارد. قزاقستان در چارچوب برنامه‌ی مشارکت برای صلح از سال ۱۹۹۴ با ناتو همکاری می‌کند. این کشور به‌منظور رهایی از سلطه‌ی روسیه علاقمند است تا پیوندهای خود را با کشورهای غربی گسترش دهد. روابط این کشور با ناتو پیچیده‌تر است، چراکه از یک طرف به ایجاد یک اتحادیه‌ی سیاسی - نظامی با فدراسیون تأکید می‌کند و از طرف دیگر، به‌طور همزمان مایل است تا با ناتو همکاری کند. این کشور نیز به‌دلیل داشتن مرز مشترک با چین (همانند قرقیزستان) اهمیتی راهبردی برای غرب پیدا کرده است. (شربانی، ۱۳۸۷: ۱۵۴-۱۵۳) قزاقستان در طرح مشارکت در اقدام علیه تروریسم (PAP) با هدف ترویج دگرگونی نیروهای مسلح در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و آماده‌سازی برای شرکت در عملیات حفظ صلح شرکت دارد. شرکت در این برنامه اجازه می‌دهد قزاقستان تحت انطباق با استانداردهای نیروهای ناتو قرار داشته باشد، این برنامه متشکل از سه مرحله که در طی آن یک دولت عضو این فرصت را دارد که در عملیات مشترک با ناتو از جمله آموزش زبان، مطالعه از اصول عملیات و مدیریت کارکنان ناتو است. مرحله‌ی نهایی از طرح مشارکت اقدام علیه تروریسم آموزش مستقیم از واحدهای نظامی از کشورهای شریک ناتو را فراهم می‌کند، و کمک به نیروهای مسلح قزاقستان در دستیابی به استانداردهای غربی است. (Kakenova, 2014: 954) قزاقستان پس از ۱۱ سپتامبر، حمله‌ی تروریستی را محکوم کرد و یک انگیزه‌ی جدیدی برای توسعه‌ی همکاری‌های نظامی - سیاسی بین قزاقستان و ایالات متحده فراهم کرد. (Idid, P. 955) آمریکا و ناتو دلایل متعددی برای همکاری با قزاقستان دارند. یکی از دلایلی که تأکید فراوانی صورت می‌گیرد. مسأله‌ی نفت و گاز قزاقستان است. در میان کشورهای آسیای مرکزی قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان دارای بالاترین ذخایر انرژی و به‌ویژه نفت و گاز هستند و منابع عظیم انرژی این منطقه به مثابه منابع رقیب انرژی خاورمیانه از اهمیت فراوانی برای جهان غرب برخوردار است. در نتیجه این امر، کشورهای غربی تلاش دارند تا با استفاده از تمامی ابزارهای در دسترس به شکلی میزان امنیت انرژی خود را بالا ببرند. همان‌گونه که اشاره شد، ناتو یکی از ابزارهایی است که کشورهای غربی از آن برای تضمین دسترسی به انرژی

استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، همان‌گونه که غرب قصد دارد با ورود ناتو به خاورمیانه، امنیت انرژی وارداتی خود از این منطقه را بالا ببرد، به همین شکل قصد دارد با افزایش همکاری‌های ناتو با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نیز به منابع غنی نفت و گاز این منطقه دست یابد. (ترابی، ۱۳۹۲: ۱۸۱)

و) همکاری آذربایجان و ناتو: درخصوص آغاز همکاری‌های ناتو با جمهوری آذربایجان از مارس ۱۹۹۲ آغاز شد. در مرحله‌ی بعد، پیمان ناتو در ژانویه‌ی ۱۹۹۴ به منظور گسترش امنیت و ثبات در سراسر منطقه‌ی اروپا - آتلانتیک طرح مشارکت برای صلح را مطرح کرد و بر این اساس، جمهوری آذربایجان جزو اولین دسته از کشورهای بود که در ماه می ۱۹۹۴ این چارچوب همکاری با ناتو را پذیرفت؛ از جمله دیگر تحولات در رابطه با ناتو و جمهوری آذربایجان، پذیرش آن کشور در نوامبر ۲۰۰۲ در مجمع پارلمانی ناتو بود.

آذربایجان با توجه به این شرایط، یکی از نخستین جمهوری‌های شوروی سابق است که بسیار مشتاق پیوستن به ناتوست. تقاضای جمهوری آذربایجان در ژانویه‌ی ۱۹۹۹ از ناتو برای ایجاد پایگاه در جزیره‌ی آیشوران - با وجود این‌که در آن شرایط امکان عضویت کشورهای قفقاز جنوبی در ناتو وجود نداشت - چنین تداعی می‌کند که به هر حال برقراری نوعی ارتباط امنیتی بین این کشورها با ناتو ممکن است شرایط لازم را برای مداخله‌ی نظامی آمریکا در این منطقه فراهم کند. بنابراین، وزیر امور خارجه‌ی آذربایجان از ناتو و اتحادیه‌ی اروپا خواست تا به‌طور فعال در حل و فصل بحران قره‌باغ، همانند بحران کوزوو عمل کنند. در واقع، آذربایجان به هر نحو ممکن می‌خواهد مسأله‌ی قره‌باغ را حل کند. (خادمی، ۱۳۸۷: ۲۲۴) البته روسیه هنوز شریک راهبردی ارمنستان است و اعتقاد بر این است که همین امر مهم‌ترین دلیلی بوده که ناتو نقش مستقیمی در مناقشه‌ی قره‌باغ ندارد و نتوانسته در این مناقشه دخالت کند و قره‌باغ را به جمهوری آذربایجان پس بدهد. (عطایی، ۱۳۹۱: ۱۲۹) آذربایجان یکی از اولین کشورهایی بود که بعد از وقوع حملات ۱۱

سپتامبر به ائتلاف ضدتروریسم پیوست و هم‌چنان همکاری مؤثری در این زمینه از خود نشان می‌دهد. آذربایجان پس از اجلاس پراگ نیز در چارچوب ابزارهایی مهم هم‌چون طرح عملی مشارکت انفرادی و طرح عملی مشارکت علیه تروریسم برای افزایش صلح، امنیت، ثبات و توسعه‌ی همکاری عملی با ناتو عمل کرده است. (خادمی، پیشین: ۲۲۵)

جمهوری آذربایجان در چارچوب تلاش‌های خود برای گسترش روابط با غرب و ناتو، یک واحد نظامی را برای شرکت در عملیات حفظ صلح در قالب نیروهای پیمان ناتو به افغانستان فرستاد. (احدی، ۱۳۸۶: ۱۳۹-۱۴۰) واحدهایی از نیروهای نظامی آذربایجان در عراق نیز حضور داشتند. آذربایجان به‌طور فعال در رویدادهای نظامی و غیرنظامی در چارچوب طرح مشارکت برای صلح و رویدادهای دوجانبه و منطقه‌ای همراه با دولت‌های عضو ناتو (بجز ارمنستان) مشارکت دارد. جمهوری آذربایجان و گرجستان به‌ویژه پیوندهای نظامی نزدیکی را با ناتو برقرار کرده‌اند. آمریکا و نظامیان ترکیه با فرستادن سلاح‌های هماهنگ با ناتو به این دو کشور از آنها حمایت کرده‌اند، آذربایجان یک معاهده‌ی دفاعی دوجانبه با ترکیه و یک موافقت‌نامه‌ی همکاری دفاعی با آمریکا امضا کرده است، به موجب برنامه‌ی مشارکت برای صلح، چهار هزار افسر نظامی از کشورهای منطقه‌ی قفقاز که بیش‌تر آنها از آذربایجان هستند، در ترکیه آموزش نظامی می‌بینند. سربازانی از آذربایجان به‌عنوان بخشی از گردان ارتش ترکیه در نیروهای اشغال‌کننده‌ی ناتو در کوزوو مشارکت داشتند. این نخستین مورد به‌کارگیری مستقیم یک واحد نظامی از منطقه‌ی خزر توسط ناتو بود. (تقفی عامری، ۱۳۸۶: ۶۹-۷۰) دبیرکل ناتو آندرس فوگ راسموسن در آکادمی دیپلماتیک آذربایجان در باکو اعلام کرد: «مأموریت جنگی به رهبری ناتو در افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۴ تکمیل خواهد شد، اما ما در ادامه برای آموزش، مشاوره و کمک به نیروهای امنیتی افغان پس از آن تاریخ به آذربایجان بسیار امیدوارم که بخشی از این تلاش‌ها را برعهده می‌گیرد؛ و ما را به ادامه‌ی همکاری با یکدیگر برای کمک به ایجاد ثبات پایدار ترغیب می‌کند.»

ز) همکاری ارمنستان و ناتو: ارمنستان به‌عنوان کوچک‌ترین کشور ماورای قفقاز و محصور در خشکی تنها کشور این منطقه است که کم‌ترین علاقمندی‌ای به عضویت در

ساختارهای یورو- آتلانتیکی را از خود نشان داده است و مهم‌ترین دلیل آن هم اختلاف دیرینه با آذربایجان و متحد سنتی آن (ترکیه) بر سر مناقشه‌ی ناگورنو- قره‌باغ است. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۷: ۴۱) ارمنستان بعد نظامی مشارکت خود را با ناتو در سال ۲۰۰۲ آغاز نمود، و در اکتبر ۲۰۰۲ به ARP پیوست و در نوامبر همان سال، به‌عنوان عضو ناظر در مجمع آتلانتیک شمالی پذیرفته شد. (مرادی، ۱۳۸۶: ۱۰) ارمنستان در ادامه‌ی همکاری خود با ناتو در ۵ اکتبر ۱۹۹۴ به برنامه‌ی مشارکت برای صلح ناتو پیوست، ولی مایل نیست که پیوندهای خود را با روسیه در معرض خطر قرار دهد. ارمنستان به دلیل همکاری‌های نظامی و راهبردی با روسیه مشارکت کم‌تری در این برنامه دارد. این وضعیت بیش‌تر از محاسبات امنیتی رهبران این کشورها ناشی می‌شود. این مسأله بعد از تحولات در روابط روسیه - ناتو و حوادث ۱۱ سپتامبر دچار تغییر و تحول خاصی گردید و مشارکت کشورهای منطقه به‌ویژه ارمنستان در این برنامه به‌شدت افزایش یافت. (حیدری، ۱۳۸۲: ۱۵۶) این کشور به ائتلاف حامیان جنگ آمریکا علیه عراق نیوست، ولی به برگزاری مانور زمینی بزرگ با ناتو پرداخت که بارزترین مصداق همکاری این کشور با ناتو بوده است. این مانور با عنوان بهترین تلاش همکاری ۲۰۰۳ از ۱۶ تا ۲۷ ژوئن ۲۰۰۳ با حضور تقریباً چهارصد نیرو از نوزده کشور (ارمنستان، اتریش، بلغارستان، کانادا، گرجستان، یونان، مجارستان، ایتالیا، لیتوانی، مولداوی، لهستان، رومانی، روسیه، اسلواکی، مقدونیه، ترکیه، انگلستان، آمریکا و ازبکستان در ارمنستان) برگزار گردید. (خادمی، ۱۳۸۷: ۲۲۳) هم‌چنین مشارکت ارمنستان در برنامه‌ی مشارکت برای صلح ناتو، بخش کوچکی از ارتش و نیروی زمینی و بخش کوچک‌تری از نیروی هوایی این کشور را در معرض تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها، روندها و شیوه‌های آموزشی غربی قرار داده است. این در حالی صورت می‌گیرد که روسیه هم‌چنان به‌عنوان عامل اصلی آموزش مربیان و داوطلبان، افسران و تکنسین‌های ارمنستان باقی مانده است. ارمنستان در سال ۲۰۰۴ گروهی از نیروهای حافظ صلح خود را برای انجام عملیات صلح‌بانی تحت فرماندهی ناتو به کوزوو اعزام کرد. (دفتر مطالعات و امور دفاعی، ۱۳۸۵: ۱۰۶) نیروهای ارمنستان هم‌چنین در سال ۲۰۰۹ در گروه‌های نظامی ناتو

مستقر در کوزوو حضور داشتند و از آن نیروها برای حضور در افغانستان نیز دعوت به عمل آمد. (تیشه‌پار، ۱۳۸۸: ۵۹) ناتو طی سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ در چارچوب گسترش نفوذ خود به قفقاز جنوبی در صدد گسترش روابط با ارمنستان برآمد. دیدار روبرت سیمونز نماینده‌ی دبیرکل ناتو از ارمنستان در ۲۳ و ۲۴ فوریه‌ی ۲۰۰۶ گام دیگری در جهت تقویت روابط دوجانبه بود. در بیانیه‌ی مشترک منتشرشده در خاتمه‌ی این سفر، وزیر دفاع ارمنستان و نماینده‌ی دبیرکل ناتو به‌طور مشترک بر این نکته تأکید نمودند که تقویت روابط ناتو و ارمنستان نباید موجب نگرانی مسکو درخصوص آینده‌ی عضویت ارمنستان در پیمان امنیت جمعی مشترک‌المنافع شود. (مرادی، ۱۳۸۶: ۱۱)

ح) همکاری گرجستان و ناتو: گرجستان به‌عنوان دروازه‌ی ورود قفقاز و حساس‌ترین بخش آن، از گسترش ناتو و اقدامات جدید این اتحادیه به گرمی استقبال می‌کند و آن را از هر لحاظ منطبق با منافع خود می‌بیند. تأکید شوارد نادره رئیس‌جمهور سابق گرجستان بر ناکارآمدی سیستم امنیتی موجود جهان (ناتوانی شورای امنیت سازمان ملل در تأمین و تضمین صلح جهانی)، اصرار بر لزوم تجدیدنظر در سازوکارهای موجود برای برقراری صلح جهانی و حل مناقشات قومی با استفاده از زور مؤید این مطلب است. (خادمی، ۱۳۸۷: ۲۲۱) به عقیده‌ی برخی از گرجی‌ها، گرجستان به‌عنوان یک کشور واقع در اروپای جنوب شرقی و دریای سیاه به‌طور تاریخی بخشی از فرهنگ، سیاست و جغرافیای اروپا بوده است. از این‌رو، همگرایی و الحاق آن به سیستم‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی یورو - آتلانتیک و اروپایی آمال و آرزوی مردم گرجستان است. گرجستان معتقد است که الحاق آن به این سازمان‌ها به‌طور مشخص امنیت منطقه‌ی دریای سیاه به‌عنوان مرز جنوب شرقی اروپا تضمین می‌گردد. هم‌چنین گرجستان به‌منظور برقراری صلح و ثبات و امنیت و استفاده از کارت اروپای به شدت به‌دنبال الحاق به ساختارهای یورو - آتلانتیک هستند که این موضوع نشانگر منافع این کشورها در ناتو می‌باشد. (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۶۲) به همین دلیل، گرجستان در میان سه کشور قفقاز جنوبی بیش از دو کشور دیگر به عضویت در ناتو نزدیک شده است. این کشور در ژوئن ۱۹۹۲ به شورای همکاری آتلانتیک شمالی

پیوست و سند چارچوبی طرح مشارکت برای صلح را در مارس ۱۹۹۴ امضا نمود. (مرادی، ۱۳۸۶: ۱۶) گرجستان از هنگام پیوستن به برنامه‌ی مشارکت برای صلح ناتو، به‌عنوان عضوی فعال در فعالیت‌های آن از جمله رزمایش‌های مشترک، دوره‌های آموزشی کوتاه مدت برای افسران و برگزاری کنفرانس در مورد برنامه‌ریزی شرکت داشته است. بدین ترتیب، گرجستان به‌طور رسمی تمایل خود را برای پیوستن به ناتو، در اجلاس پراگ در سال ۲۰۰۲ اعلام کرد. (دارمی، ۱۳۸۶: ۲۲۴) با توجه به سیاست‌های اعلامی ناتو مبنی بر درهای باز این سازمان بر روی کشورهایی که شرایط موردنظر ناتو را برآورده کرده‌اند، باز است. (مستقیمی، ۱۳۹۱: ۱۳۰) این اقدام پس از تحولات ۱۱ سپتامبر و توجه بیش‌تر آمریکا به قفقاز جنوبی، روابط نزدیک‌تر روسیه و ناتو و تلاش جهانی برای مبارزه با تروریسم موضوعیت یافت. طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲ گرجستان در بیش از ۲۳۰ رویداد مرتبط با ناتو مشارکت نمود که مهم‌ترین آن، میزبانی مانور نظامی طرح مشارکت برای صلح بود که در آن اعضا و شرکای ناتو حضور داشتند. (مرادی، پیشین: ۱۶) کشورهایی مانند آذربایجان و گرجستان از چارچوب فعلی برای همکاری خشنود نبوده، ولی توانایی شروع طرح اقدام برای عضویت (MAP) و پیوستن به ناتو نیز نبودند. این امر، ابداع شیوه‌ی جدیدی را ضروری می‌نمود که به اجلاس پراگ ارائه گردید و آن برنامه اقدام برای عضویت انفرادی IPAP بود. این برنامه که در مقایسه با طرح اقدام برای عضویت ماهرانه تنظیم شده، نوعی مشارکت صرفاً سیاسی خواهد بود و عضویتی در آن متصور نمی‌باشد، اما به‌نظر می‌رسد که IPAP به‌درستی درک نگردیده و گامی برای رسیدن به اقدام برای عضویت نیست، بلکه مشارکتی انفرادی و پیشرفته است. (کوئن، ۱۳۸۲: ۱۸۵) IPAP تمرکز خود را بر چند موضوع کلیدی نظیر امنیت مرزها و کنترل غیرنظامی قوای مسلح متمرکز نموده است. (مرادی، پیشین: ۱۶) افغانستان منطقه‌ی مهم مورد حمایت گرجستان برای عملیات تحت رهبری ناتو است. گرجستان در حال حاضر بزرگ‌ترین نیروهای نظامی غیرناتو در افغانستان است. هم‌چنین به‌عنوان یک کشور ترانزیتی برای تأمین امنیت ایساف خدمت می‌کنند، و گرجستان آمادگی خود را در سال ۲۰۱۴ برای آموزش و کمک به نیروهای امنیتی افغان،

پس از انتقال مسئولیت کامل امنیت افغانستان در پایان سال ۲۰۱۴ زمانی که مأموریت ایساف به پایان خواهد رسید، اعلام کرده است. (NATO's relations with Georgia 2013) مردم گرجستان طی یک فراندوم که همزمان با انتخابات ریاست جمهوری این کشور در اوایل سال ۲۰۰۸ برگزار شد، با بیش از هفتاد درصد موافقت و تمایل خود را برای پیوستن به ناتو اعلام کردند. (دارمی، پیشین: ۲۲۴) اگرچه بعد از روی کار آمدن باراک اوباما در آمریکا و شکاف بین اعضای قدیم و جدید ناتو، موضوع عضویت این کشور در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است و به نظر می‌رسد که روسیه و شرکای غربی‌اش به توافقی ضمنی در این باره دست یافته‌اند. روسیه فضای شوروی سابق را به مثابه محیط امنیتی خود تعریف کرده است. بنابراین، معتقد است که گسترش ناتو به جمهوری‌های شوروی سابق با هدف تحدید و مهار روسیه انجام می‌گیرد. (باری، ۱۳۸۹: ۱۱۴) گرجستان آماده‌ی پیوستن به ناتو نیست، چراکه با کمبودهای جدی در منطقه، آمادگی نظامی و حل و فصل اختلافات ارضی با همسایگان خود روبروست و تنها مردم آن منطقه راضی به الحاق به ناتو هستند. (kriz, shevchuk 2011: 95)

تأثیر حضور ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز و امنیت جمهوری اسلامی ایران

حضور ناتو به رهبری آمریکا در مناطق پیرامون جمهوری اسلامی ایران تهدیداتی در حوزه‌های سیاسی - نظامی و اقتصادی به دنبال داشته است.

در واقع، آمریکا با حضور نظامی خود در منطقه در کنار حضور اقتصادی و سیاسی، در پی تکمیل حلقه‌ی محاصره‌ی پیرامون جمهوری اسلامی ایران است تا بدین وسیله از حضور این کشور در ترتیبات امنیتی و اقتصادی منطقه جلوگیری کند و زمینه را برای عملیات نظامی احتمالی علیه آن فراهم کند. (زیبا کلام، آخوندی، کیانی، ۱۳۹۳: ۹۵) آمریکا پس از برداشتن گام اول یعنی حضور نظامی، سعی دارد در مرحله‌ی بعدی تا در مسائل منطقه‌ای نقش آفرینی نماید و از این طریق، حضور و جایگاه خود را در ترتیبات امنیتی که زمانی دور از دسترس به نظر می‌رسید، ارتقا بخشد و ساختارهای نظامی - دفاعی کشورهای

منطقه را از سیستم شرقی به غربی تبدیل نماید. (شفیعی، صفری، ۱۳۹۱: ۲۰۱) بدین ترتیب، آمریکا به بهانه‌ی جنگ علیه تروریسم جهانی، حضور خود را در منطقه‌ی قفقاز به شدت تقویت کرد و با انعقاد چندین موافقت‌نامه‌ی نظامی با دولت‌های منطقه، کمک‌های اقتصادی و فنی خود را با این کشورها گسترش داد و عملاً در روندهای امنیتی-نظامی منطقه فعال شد. (پیشین: ۱۹۶) از طرف دیگر، آمریکا پایگاه ماناس گذرگاه شمالی جمهوری اسلامی ایران یعنی در منطقه‌ی قفقاز و آسیای مرکزی در قرقیزستان را در اختیار گرفته تا به تدارک نیروهای خود در افغانستان بپردازد. از طرف دیگر، آمریکا با تداوم حضور گسترده‌ی نظامی با سلاح‌های مدرن و پیشرفته در خلیج فارس، دریای عمان و تقویت پایگاه‌های نظامی در عربستان و دیگر کشورهای عرب حوزة خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران را در مرزهای خاورمیانه محدود کرده است. (شفیعی، عطائی، پهلوانی، ۱۳۹۲: ۱۱۲) شبکه‌ای از پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی آمریکا در جهان که تعداد آنها بین ۷۰۰ الی ۸۰۰ پایگاه تخمین زده می‌شود، به همراه گسترش پیمان‌های نظامی-امنیتی ناتو، از جمله تهدیدهای امنیتی موجود در مناطق هم‌جوار جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند، (مهرورز، ۱۳۹۰: ۲۵) و عضویت ترکیه در ناتو که در همه‌ی عملیات‌های ناتو در دهه‌ی جاری، امکانات و پایگاه‌های خود را به‌طور کامل در اختیار هم‌پیمانانش قرار داده است. از جمله تلاش ناتو برای ایجاد سپر دفاع موشکی در ترکیه که در اجلاس سال ۲۰۱۰ در لیسبون پرتغال مطرح شد و در آن دولت ترکیه با خواست آمریکا مبنی بر ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو موافقت نمود. در آن اجلاس حتی قرار بود تا نام جمهوری اسلامی ایران به عنوان هدف نهایی این سامانه در متن نهایی آورده شود؛ اما دولت ترکیه یکی از شروط خود را برای پذیرش طرح عدم ذکر نام ایران عنوان نمود. (تحولات راهبردی ۱۳۹۰، چشم‌انداز ۱۳۹۱: ۲۴۵) ضمن این که برابر پیشنهاد کنگره‌ی آمریکا، در صورت نصب رادار بعدی در جمهوری آذربایجان، توانایی درگیری اولیه با موشک‌های شلیک‌شده از شمال و جنوب ایران به سمت اروپای شمالی و آمریکا حاصل خواهد شد؛ و بی‌شک با توجه به موافقت ترکیه، این کشور نیز زمینه‌ی مناسبی برای پذیرش این سامانه خواهد داشت. (احدی، تنهایی،

۱۳۹۳: ۵۰) با این حال، بازدارندگی یکی از مهم‌ترین اصول راهبرد نظامی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. ضمن این‌که توان موشکی نقشی اساسی در سطح و عمق بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران دارد. در نتیجه، این امر ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه می‌تواند باعث تضعیف بازدارندگی کشور گردد. (تحولات راهبردی ۱۳۹۰، چشم‌انداز ۱۳۹۱: ۲۴۵) به هر حال، جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی منطقه‌ای با تهدیداتی روبروست که مهم‌ترین دلیل این تهدیدات نیز ناشی از عدم وجود روابط راهبردی بین ایران و دیگر کشورها به دلیل ناتوانی در ارائه‌ی کمک‌های مالی و فنی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران به این کشورهاست. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان حکومتی دینی که با نظام‌های سکولار غرب در تعارض قرار دارد، در محدوده‌ی اهداف ناتو قرار می‌گیرد. جالب اینجاست که تمام اتهاماتی که غرب به سرکردگی آمریکا به ایران وارد می‌کند، از جمله حمایت از تروریسم، تکثیر سلاح‌های غیرمعارف و کشتار جمعی و تلاش در جهت دستیابی به تسلیحات اتمی، از جمله مواردی هستند که جزو اهداف ناتو قرار می‌گیرند. (شربینانی، ۱۳۸۷: ۳۰۴) بنابراین، مهم‌ترین تهدیدی که امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را در معرض خطر قرار می‌دهد، دور ماندن اقتصاد آن از اقتصاد جهانی است که به‌واسطه‌ی برخی از عوامل داخلی و واکنش‌های خارجی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به این‌که با الگوی نظم نوین جهانی موردنظر آمریکا مخالف است، از طرف این کشور مورد تحریم‌های متعددی قرار گرفته است. این تحریم‌ها باعث پیدایش موانع متعددی برای سرمایه‌گذاری، فروش نفت، جایگزین کردن مشتری جدید، اکتشاف مخازن جدید و دسترسی به ارز معتبر شده است. از جمله مشارکت ندادن جمهوری اسلامی ایران در طرح خطلوله‌ی انتقال گاز ناپاکو، به حاشیه‌راندن خطلوله‌ی صلح بین ایران- پاکستان و هند و جایگزین کردن خطلوله‌ی تاپی برای صادرات ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان و هند از جمله‌ی این موارد است. (مهرورز، ۱۳۹۰: ۲۵) آمریکا توسعه‌ی قدرت خود در منطقه را در گرو تسلط بر دالان‌های انرژی می‌بیند و در راستای ایجاد شبکه‌ای از دالان‌های حمل‌ونقل که اروپای غربی را به آسیای مرکزی و خاور دور متصل کند، راهبرد

جاده‌ی ابریشم را به‌عنوان سیستم امنیتی انتقال اوراسیا تعریف کرده است. راهبرد جاده‌ی ابریشم با هدف پیوستن جمهوری‌های اتحاد شوروی واقع در قفقاز و آسیای مرکزی به منطقه زیر نفوذ آمریکا، اساس مداخلات آمریکا و ناتو شده است. تحقق موفقیت‌آمیز این راهبرد، به نظامی کردن هم‌زمان تمامی دالان‌های انرژی با طرح جاده‌ی ابریشم به صورت کلی حرکتی علیه چین، روسیه و جمهوری اسلامی ایران است. (احمدیان، مرادی، ۱۳۹۳: ۲۳۱) در ادامه باید گفت جمهوری اسلامی ایران هرگز هیچ‌یک از اعضای ناتو را مورد تهدید قرار نداده و این سازمان به‌عنوان یک نهاد دفاعی نمی‌تواند در به‌کارگیری تهدید و خشونت علیه یک کشور، پیشگام شود؛ اما با واکاوی مفاهیم راهبردی، می‌توان دید که ناتو در تلاش است تا با یافتن دشمنی نوین، یک "سامانه‌ی امنیت جمعی" جدید را برپا کند و به رودرویی با تهدیدات جمعی نوین برود و الگوی توازن قوای پیشین را در چارچوبی نو باز تعریف نماید. (تیشه‌یار، ۱۳۹۱: ۱۵)

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد تا گسترش ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز را بر اساس نظریه‌ی نوواقع‌گرایی مورد بررسی قرار دهیم و با توجه به تحولاتی که در قرن ۲۱ در منطقه ایجاد شده، باعث ادامه‌ی رویکرد گسترش ناتو گردید که آمریکا به‌دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر، با طرح مبارزه علیه تروریسم وارد منطقه شد. همین مسأله باعث شد تا فضای همکاری ناتو با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مهیا شود و بعد از آن همکاری عمیق و حتی اعطای پایگاه نظامی به ناتو و آمریکا برای کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به امری عادی تبدیل شود. آمریکا نیز در راستای کنترل سه مخالف مهم خود (جمهوری اسلامی ایران، روسیه و چین) در پی تسلط بر منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز است و بر این اساس، تسلط بر دالان‌های انرژی منطقه و اجرای برنامه‌ی سپر دفاع موشکی را در کنار سایر اقدامات خود دنبال می‌کند که تأثیرگذاری آنها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کاملاً مشهود است. گسترش به طرف آسیای مرکزی و قفقاز، به‌دلیل تعارض نظام سیاسی حاکم بر جمهوری

اسلامی ایران با نظام سیاسی حاکم بر اعضای ناتو و تضاد سیستم‌های اقتصادی طرفین، می‌تواند تهدید مطرح شده و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به چالش بکشاند. البته تا هنگامی که ایران به دلایل کاملاً عینی ناتو را یک عامل تهدید بدانند، منطقی و طبیعی است که نه تنها از حضور آن در منطقه استقبال نکند، بلکه همه‌ی تلاش خود را برای دور کردن آن از مرزها و همسایگی خود به کار بندد. این موضع جمهوری اسلامی ایران تنها در صورتی تغییر خواهد کرد که رویکرد ناتو و به‌ویژه رویکرد و رفتار دشمنانه‌ی اعضای کلیدی آن از جمله ایالات متحده نسبت به آن تغییر کند و نقش سازنده‌ی جمهوری اسلامی ایران در تحکیم صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به رسمیت شناخته شود؛ و دغدغه‌های امنیتی آن مورد توجه قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران از طریق ایجاد روابط دو یا چندجانبه در منطقه، می‌تواند به کاهش نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کمک کند و باید از تمام امکانات موجود خود استفاده نماید تا بتواند این تقابل و تعارض در منطقه را به تفاهم و تعامل تبدیل نماید. هم‌چنین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با پیمان‌های منطقه‌ای دوجانبه و چندجانبه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی‌الامکان نظامی به‌واسطه‌ی اعتمادسازی متقابل و تدریجی میان خود و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، حل چالش‌ها را به حداقل برساند. هم‌چنین اگر سازمان شانگهای، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان عضو ناظر در این سازمان مورد پذیرش قرار دهد، به‌عنوان مسکنی برای ایران در منطقه است. البته با تبلیغات منفی آمریکا به‌عنوان عضو مؤثر ناتو و متحدان اروپایی آن علیه جمهوری اسلامی ایران فضای بین‌المللی مساعد به‌نظر نمی‌رسد و ایران برای جلوگیری از اجماع بین‌المللی نباید استفاده از گزینه‌ی دیپلماسی را فراموش کند و در این راستا، می‌تواند سیاست‌های اعلامی خود را بر مبنای مذاکره و گفتگو با اروپایی‌ها و هم‌چنین به‌کارگیری دیپلماسی تنش‌زدایی قرار دهد و در سیاست‌های اعمالی توان نظامی خود را تقویت کند. جمهوری اسلامی ایران با تمام این اوصاف با تغییر نگرش خود به تعاملات خارجی می‌تواند این تهدید را مدیریت کند، و زمینه‌ی تعامل سازنده‌ی خود را با ناتو فراهم کند. بدیهی است که تمرکز بیش‌تر بر

دیپلماسی هوشمند و قدرت نرم توأم با تفکر درون‌گفتمانی با دولت‌ها و ملت‌های منطقه و نیز توجه جدی به هویت‌های قومی در داخل می‌تواند از شدت تأثیرگذاری حضور ناتو بر محیط امنیتی خود بکاهد.

منابع

فارسی

- ۱- آقای، سید داوود، ثمودی، علیرضا، صمدی مقدم، محمدرضا (۱۳۹۱)، رقابت چین و آمریکا در آسیای مرکزی، فصلنامه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی ۷۹، پائیز.
- ۲- آقای سید داوود، مریمی بهاء‌الدین، خلیلی‌پور رکن‌آبادی، علی (۱۳۹۳)، راهبردهای نوین ناتو در چارچوب بیانیه لیسبون ۲۰۱۰ در برابر فدراسیون روسیه، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان.
- ۳- احدی محمد، تنهایی، علیرضا (۱۳۹۳)، تأثیر قابلیت‌های موشکی ج.ا. ایران بر سامانه دفاع موشکی ناتو در ترکیه، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۸، زمستان.
- ۴- احدی، افسانه (۱۳۸۶)، روابط ناتو با جمهوری آذربایجان، مرکز تحقیقات استراتژیک: پژوهش ۹، ناتو و محیط امنیتی ایران، چاپ اول مهر.
- ۵- احمدی، کوروش (۱۳۷۶)، گسترش ناتو به شرق، تهران، مجله سیاسی-اقتصادی، شماره‌ی ۱۲۰-۱۱۹.
- ۶- احمدیان، قدرت، مرادی، حدیث (۱۳۹۳)، معادله انرژی در اوراسیا و عمل‌گرایی روسی، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲، پائیز و زمستان.
- ۷- امینی، آرمین، حسین‌خانی، الهام (۱۳۹۲)، نقش ناتو در گسترش جامعه امن اروپای غربی، فصلنامه‌ی سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره‌ی سوم، پائیز.
- ۸- بزرگمهری، مجید (۱۳۹۱)، روابط ناتو و روسیه شکاف یا تعامل، فصلنامه‌ی سیاست، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره‌ی ۴۲، شماره‌ی ۳، پائیز.
- ۹- برزگر، کیهان، قاسمی، مهدی (۱۳۹۲)، استراتژی تهدید وجودی اسرائیل و امنیت ملی ایران، فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال پنجم، شماره‌ی ۱، بهار.

- ۱۰- بیات، محمود (۱۳۹۱)، تعامل ناتو در سازمان همکاری شانگهای در افغانستان، فصلنامه‌ی ره‌آورد سیاسی، شماره‌ی ۳۸، پائیز و زمستان.
- ۱۱- پسندیده، سمیه (۱۳۹۳)، همکاری‌های امنیتی ایران و روسیه: زمینه و چشم‌انداز، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره‌ی اول، شماره‌ی مسلسل ۶۳، بهار.
- ۱۲- تائب، سعید (۱۳۸۳)، گسترش ناتو و تهدیدهای امنیتی جدید، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
- ۱۳- تحولات راهبردی ۱۳۹۰، چشم‌انداز ۱۳۹۱، سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- ۱۴- ترابی قاسم (۱۳۹۲)، حضور ناتو در آسیای میانه و قفقاز و امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره‌ی بیست‌وسوم، تابستان.
- ۱۵- ترابی، قاسم (۱۳۸۹) حضور ناتو در خاورمیانه و امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال بیست‌وچهارم (ویژه‌ی ناتو).
- ۱۶- تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۸۸) بررسی سیاست‌های ناتو در منطقه اوراسیا بر اساس نظریه ساخته‌گرایی، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره‌ی ۴، تابستان و پائیز.
- ۱۷- تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۹۱)، نگاهی به ملاحظات جمهوری اسلامی ایران درباره حضور ناتو در افغانستان، فصلنامه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی ۷۸، تابستان.
- ۱۸- ثقفی عامری، ناصر، ترجمه: افسانه احدی (۱۳۸۶)، ظهور ناتوی جدید و پیامدهای آن برای آسیا، مرکز تحقیقات استراتژیک: پژوهش ۹، ناتو و محیط امنیتی ایران، چاپ اول مهر.
- ۱۹- حق‌شناس، محمدجواد، بشیری، سعید (۱۳۹۰)، ناتو و گرایش ایران به سازمان همکاری شانگهای، مجله‌ی سیاسی-اقتصادی، سال ۲۵، تابستان.
- ۲۰- حیدری، جواد (۱۳۸۲) بررسی ابعاد نظام منطقه‌ای در قفقاز، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوازدهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۴۲، تابستان.
- ۲۱- خادمی، غلامرضا (۱۳۸۷)، ناتو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، تهران: اندیشه‌سازان نور.
- ۲۲- دارمی، سلیمه (۱۳۸۶)، ناتو در قرن بیست‌ویکم، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۲۳- دفتر مطالعات و امور دفاعی (۱۳۸۵)، امنیت منطقه‌ای در قفقاز جنوبی، نقش ناتو.
- ۲۴- دولتیار، مصطفی (۱۳۸۹)، مدیریت امنیت پایدار در منطقه خلیج فارس مشارکت ناتو: سازنده یا مخرب؟ فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال ۲۴.

- ۲۵- دیوسالار، مجید، رسالت ۱۸/۴/۸۴، علل اجرایی طرح گسترش ناتو به شرق.
- ۲۶- زیبا کلام، صادق، آخوندی، هادی، کیانی، علی نقی (۱۳۹۳)، آمریکا و تأثیر آن بر دستیابی ایران به هدف‌های خود در منطقه قفقاز (مطالعه‌ی موردی جمهوری آذربایجان) مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان.
- ۲۷- سازمند، بهاره، قنبری، لقمان (۱۳۹۱)، آمریکا و رویکرد تلفیقی به امنیت بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر (مطالعه‌ی موردی: رویکرد نوین امنیتی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی مطالعات منطقه‌ای- اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۳، تابستان.
- ۲۸- سلیمانی، فاطمه، شجاع، مرتضی (۱۳۸۸)، آمریکا و گسترش نقش امنیتی ناتو در جهان، مجله‌ی سیاسی- اقتصادی، شماره‌ی ۲۷۱-۲۷۲.
- ۲۹- شفیعی، اسماعیل، صفری، علی کرم (۱۳۹۱)، شکل‌گیری جنگ سرد نوین در رقابت آمریکا و روسیه در منطقه قفقاز، فصلنامه‌ی سیاست بین‌المللی، شماره‌ی دوازدهم، پائیز.
- ۳۰- شفیعی، نوذر، عطائی، صدیف، پهلوانی، مهرداد (۱۳۹۲)، تأثیر حضور آمریکا در افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر واقع‌گرایی ته‌اجمی، فصلنامه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی ۸۱، بهار.
- ۳۱- شرافت، سعید (۱۳۸۳)، امنیت در آسیای مرکزی- کتاب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS)، ویژه مسائل امنیتی (۱)، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، فروردین.
- ۳۲- شرافت، سعید (۱۳۸۳)، گسترش ناتو به شرق و حضور در آسیای مرکزی و قفقاز، کتاب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، ویژه مسائل امنیتی (۱)، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، فروردین.
- ۳۳- شریبانی، قوام (۱۳۸۷)، امنیت ایران و رویکرد ناتو در آسیای مرکزی، تهران: وزارت امور خارجه، پائیز.
- ۳۴- شفیعی، نوذر، فرجی نصیری، شهریار (۱۳۸۷)، تقابل سازمان همکاری شانگهای و ناتو در آسیای مرکزی، آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۶۴، زمستان.
- ۳۵- شفیعی، نوذر، محمودی، زهرا (۱۳۸۶)، رویکرد روسیه پوتین در قبال گسترش ناتو به شرق، فصلنامه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۵۹، پائیز.
- ۳۶- عسگرخانی، ابومحمد، ثمودی پيله‌رود، علیرضا، نورعلی وند، یاسر (۱۳۹۲)، حوزه‌های همکاری و اختلاف روسیه با ناتو پس از جنگ سرد، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره‌ی ۱۲، بهار و تابستان.
- ۳۷- عسگری، حسن (۱۳۸۷)، چشم‌انداز و دورنمای الحاق گرجستان به ناتو و پیامدهای آن برای کشورهای منطقه، فصلنامه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی ۶۱، بهار.

- ۳۸- عطایی، فرهاد (۱۳۹۱)، ایران و کشورهای قفقاز جنوبی، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، شماره‌ی ۱۰، بهار و تابستان.
- ۳۹- فرسای، شهرام (۱۳۸۰)، گسترش ناتو به شرق: دیدگاه روسیه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ماهنامه‌ی ۱۴۸، نشریه‌ی دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، خرداد.
- ۴۰- فغانی، حجت‌الله (۱۳۷۸)، گسترش ناتو به شرق: بررسی موضع گرجستان، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۲۶.
- ۴۱- کریمیان، کامیل، ۱۷/۴/۸۳، گسترش ناتو به شرق، سیاست روز ۱۴.
- ۴۲- کوئن، فردریک (۱۳۸۲)، ناتو و قفقاز جنوبی: تلاش بسیار برای هیچ؟ ترجمه‌ی سعید نقی‌زاده، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوازدهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۴۲، تابستان.
- ۴۳- کولایی، الهه، خوانساری، محمدجواد (۱۳۹۳)، جمهوری اسلامی ایران و بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی، پژوهشنامه‌ی علوم سیاسی، سال نهم، شماره‌ی سوم، تابستان.
- ۴۴- گالچی، کوزه‌گر (۱۳۸۷)، نگاهی به تحولات منطقه قفقاز، سال ۸۷، سال هفدهم، شماره‌ی ۲۰۱.
- ۴۵- محمودی، محسن (۱۳۹۰)، پس از دو سال، آیا سیاست باراک اوباما در مورد اسرائیل تغییر کرده است؟، فصلنامه‌ی مطالعات منطقه‌ای، اسرائیل‌شناسی، آمریکاشناسی، سال دوازدهم، شماره‌ی ۲، بهار.
- ۴۶- مرادی، مریم (۱۳۸۱)، گسترش ناتو به شرق و پیامدهای امنیتی آن، نشریه‌ی مجلس و پژوهش سال نهم، شماره‌ی ۳۵.
- ۴۷- مرادی، منوچهر (۱۳۸۶)، حضور ناتو در قفقاز جنوبی: ابعاد و پیامدها، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۵۹، پائیز.
- ۴۸- مستقیمی، بهرام، شریفی، مجید محمد (۱۳۹۱)، ۱۱ سپتامبر و گسترش ناتو، فصلنامه‌ی سیاست، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره‌ی ۴۲، شماره‌ی ۳، پائیز.
- ۴۹- مهرورز، آسیه (۱۳۹۰)، بررسی تحولات رهنامه دفاعی- نظامی ناتو پس از ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره‌ی ۳۳.
- ۵۰- موسوی، سیدحسین (۱۳۷۸)، گسترش ناتو به شرق و خاورمیانه، نشریه‌ی مطالعات خاورمیانه ۱۷، س ۶، ش ۱، بهار.
- ۵۱- موسوی، سیدرسول (۱۳۸۲)، سازوکارهای امنیتی در قفقاز جنوبی، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی ۴۲، تابستان.
- ۵۲- میرزاخانی، اکرم (۱۳۹۰)، گسترش فعالیت‌های ناتو در کشورهای اسلامی، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۸، زمستان.

- ۵۳- نگاه، ۱۳۸۳، تأملی بر گسترش ناتو به شرق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شماره‌ی ۳۷، جمهوری اسلامی ایران.
- ۵۴- واعظی، محمود (۱۳۹۲)، راهبردهای نوین رقابتی در آسیای مرکزی و قفقاز، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، اردیبهشت.
- ۵۵- واعظی، محمود، داداندیش، پروین (۱۳۹۱)، ضرورت شکل‌گیری ترتیبات امنیت منطقه‌ای در قفقاز: رهیافتی نو: مرکز تحقیقات استراتژیک، تیر ماه.
- ۵۶- یاری، سعید (۱۳۸۹)، روسیه، ناتو و جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، (ویژه‌ی ناتو)، پائیز.

انگلیسی

- 57- Bagbasliogla,arif (2014) Beyond Afghanistan NATO's partnership with Central ASIA and South Caucasus : A tangled Partnership? journal of Eurasian studies
- 58- Kakenova , Zarina (2014) Military – Political cooperation between the U.S and central Asia states . procedia – social and Behavioral sciences 143
- 59- Kriz , Zdenek / Shevchuk , Zinaida (2011) Georgian readiness for NATO membership after Russian – Georgian armed conflict . communist and post – communist studies 44.
- 60- Kim Younkyoo , Fabio Indeo (2013) The new great game in central Asia post 2014 :The us 'New silk Road ' strategy and Sino – Russian rivalry . communist and post – communist studies 46.
- 61- NATO's relations with Uzbekistan (2014) , at :
[http:// www .nato . int/cps/en/natohq/topics-22889.htm](http://www.nato.int/cps/en/natohq/topics-22889.htm).
- 62- Closer relation's with Uzbekistan (2014) , at :
[http:// www. Nato.int/cps/en/natohq/new-11050.htm?selectedLocale=en](http://www.Nato.int/cps/en/natohq/new-11050.htm?selectedLocale=en)
- 63- NATO's relations with Tajikistan (2010) , at :
[http:// www. Nato.int/cps/en/natohq/topics-50312.htm?selectedLocale=uk](http://www.Nato.int/cps/en/natohq/topics-50312.htm?selectedLocale=uk)
- 64- NATO's relation's with the Kyrgyz Republic (2012) , at :
[http:// www.nato.int/ cps/en/natohq/topics-496010 htm](http://www.nato.int/cps/en/natohq/topics-496010.htm).

65- NATO's relations with Georgia (2013), at :

<http://www.Nato.int/cps/en/natolive/topics - 38988.htm?selectedlocale=en>